



بررسی معماری مذهبی اقلیت‌های دینی و رؤیت‌پذیری آن‌ها در بافت شهر تهران

I حمید افشار^۱

II هایده خمسه

III محمد بهرام‌زاده

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۰۲-۱۸۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.14.185

چکیده

باستان‌شناسی شهری، به اقلیت‌های دینی و نقش آن‌ها در بافت تاریخی و اجتماعی شهرها توجه خاص دارد. بررسی نحوه زندگی، معماری شاخص و چگونگی تعامل اقلیت‌های مذهبی در بافت شهری از موارد مهم و مورد توجه این شاخه باستان‌شناسی است. خیابان‌های «سی‌تیر» و «میرزا کوچک خان» تهران محدوده مورد نظر در این تحقیق به شمار می‌روند. وجود «کلیسای مریم مقدس» متعلق به مسیحیان ارمنی، «کلیسای پطرس» متعلق به مسیحیان فرقه پروتستان، «کنیسه حیم» متعلق به یهودیان و آدریان (آتشکده) زرتشتیان که از اواخر دوره حکومت «ناصرالدین شاه» تا اواخر پهلوی اول در این محدوده ایجاد شده‌اند، بافت شهری متمایزی را نسبت به دیگر نقاط شهر به وجود آورده است. بر همین اساس پرسش‌های پژوهش عبارتند از: نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بافت شهر تهران در دوره قاجاریه و پهلوی اول نسبت به بناهای مذهبی اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟ آیا معماری مذهبی اقلیت‌های دینی مختلف در این دوره به یک میزان در بافت شهری تهران تأثیرگذار بوده‌اند؟ روش پژوهش در این گفتار از نوع پژوهش‌های بنیادی است. داده‌های پژوهش به شیوه مطالعه میدانی و تحقیق کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. پژوهش حاضر از منظر باستان‌شناختی، معماری، میزان رؤیت‌پذیری و نحوه تعامل این آثار را در بافت تاریخی شهر تهران بررسی خواهد کرد تا جایگاه این اقلیت‌ها در ساختارهای اجتماعی حاکم بر شهر آشکار شود. همچنین با مقایسه این آثار، سهم و میزان تأثیر و تأثر هر یک از ادیان را در بافت شهر تهران مشخص خواهد کرد. بررسی به عمل آمده حاکی از آن است که اقلیت‌های مذکور با تغییر در نوع نگرش به معماری مذهبی نسبت به دوران پیش از مشروطه، بناهای متمایزی را درون بافت شهری به وجود آورده‌اند. در این میان آرامنه با توجه به داشتن پیشینه غنی در معماری، بیشترین بهره را از شرایط اجتماعی-سیاسی بعد از مشروطه کسب کرده و تأثیر بسزایی در بافت شهری تهران ایجاد کرده‌اند.

کلیدواژگان: اقلیت‌های مذهبی، تهران، باستان‌شناسی شهری، معماری، رؤیت‌پذیری.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

II. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول).

khamseh@abhariau.ac.ir

III. استادیار بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری «حمید افشار»، به راهنمایی «هایده خمسه» و «محمد بهرام‌زاده» با عنوان: «تحلیل باستان‌شناختی خاستگاه و جایگاه شهری بناهای مذهبی اقلیت‌های دینی در بافت تاریخی تهران از دوره زندیه تا پایان دوره پهلوی اول» است که در گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام پذیرفته است.

مقدمه

شهر در بستر جغرافیا شکل می‌گیرد و در گذر زمان از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. باورهای اجتماعی، ادیان و مذاهب، فرهنگ‌های گوناگون و موارد دیگر از عوامل تأثیرگذار بر پیکره شهرها هستند. به تعبیری دیگر، تأثیرات ایجاد شده بر شهر، بیانگر ماهیت آن و بازگوکننده احوال و اندیشه‌های حاکم بر جامعه است. همچنین چگونگی هم‌زیستی گروه‌های مختلف جامعه، از جمله طبقات، اصناف، اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های دیگر در بافت شهر انعکاس می‌یابد و تأثیرگذار است؛ لذا شناخت هویت شهری با مفهوم شناخت خود در ارتباط است. بر این اساس، شهر از منظر باستان‌شناسی، یکی از بهترین داده‌های اطلاعاتی از گذشته انسان محسوب می‌شود و مطالعه شهر، اطلاعات قابل توجهی از ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و موارد دیگر را در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌دهد.

فضای شهری از دو جنبه کالبدی و اجتماعی قابل بررسی است. بررسی‌های کالبدی بیشتر از نگاه معماران و بررسی‌های اجتماعی از دید جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان شهری صورت می‌گیرد. در این میان، نگاه باستان‌شناختی به شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که شاخه‌ای از باستان‌شناسی اجتماعی به مسائل شهری توجه خاص دارد؛ این شاخه که با عنوان باستان‌شناسی شهری (نه به منزله باستان‌شناسی در شهر) شناخته می‌شود، به مسائل اقلیت‌های دینی و نقش آن‌ها در بافت تاریخی و اجتماعی شهرها می‌پردازد.

مقاله پیش‌رو برای شناخت و درک مناسب از شرایط اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های مذهبی در دوره قاجاریه و پهلوی اول به بررسی نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اماکن مذهبی آن‌ها و نحوه تعامل و رؤیت‌پذیری آن‌ها در بافت تاریخی شهر تهران (محدوده خیابان سی تیر) خواهد پرداخت. این پژوهش در بُعد نظری، با در نظر گرفتن این نکته که باستان‌شناسی دانشی میان‌رشته است، با تلفیق دیدگاه باستان‌شناسانه به معماری از آن منظر که اثر معماری، تفکر معمار و گرایش ذهنی او و شرایط اجتماعی زمانه را در طراحی و ساخت بناها و فضاهای شهری بازتاب می‌دهد، از یک سو؛ و از دیگر سوی، استفاده از مفهوم «رؤیت‌پذیری» و به ویژه رؤیت‌پذیری دینی در فضای عمومی که از دیدگاه جامعه‌شناسان، نشانگر تلاش پیروان مذاهب در نشان دادن هویت دینی (مانند: اجرای مناسک مذهبی، پوشش، سبک معماری مذهبی و سایر موارد) است، رویکرد جدیدی را در شناخت و تحلیل فضاهای شهر تهران ارائه کرده است.

تهران مهم‌ترین مرکز تجمع پیروان ادیان در ایران است. تحلیل و بررسی درست از نقش اماکن مذهبی اقلیت‌های مذهبی تهران، درک صحیحی از شرایط اجتماعی و سیاسی اثرگذار بر اقلیت‌ها و انعکاس آن در ابعاد بصری شهری را نمایان می‌کند. خیابان‌های سی تیر و میرزا کوچک خان (امتداد شمالی خیابان سی تیر بعد از تقاطع جمهوری)، محدوده مورد نظر در این مقاله هستند که اخیراً به «گذرادیان» موسوم شده‌اند. این نام تأمل‌برانگیز به دلیل وجود چهار بنای مذهبی از اقلیت‌های مسیحی ارمنی، مسیحیان پروتستان، کلیمی و زرتشتی است که با روند رشد و توسعه شهر تهران در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول در محدوده غربی محله دولت ایجاد شده‌اند.

اهداف و ضرورت پژوهش: اقلیت‌های مذهبی از گروه‌های تأثیرگذار در جامعه هستند. شناخت صحیح و همه‌جانبه از نحوه تعامل این گروه‌ها با محیط پیرامونی در درک مناسب از ساختارهای اجتماعی تأثیرگذار است. پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی چهار بنای مذهبی از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان تهران در پیرامون خیابان سی تیر به تعامل میان مکان‌های مذهبی اقلیت‌های دینی و تأثیر و تأثر آن‌ها بر کالبد تاریخی شهر تهران خواهد پرداخت؛ همچنین میزان این تأثیر و تأثر را در مقایسه معماری ادیان مختلف با یکدیگر خواهد سنجید تا جایگاه اقلیت‌ها را در ساختارهای اجتماعی حاکم بر شهر تهران آشکار کند.

پرسش‌های پژوهش: نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بافت شهر تهران در دوره قاجاریه و پهلوی اول نسبت به بناهای مذهبی اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟ آیا معماری مذهبی اقلیت‌های دینی مختلف در این دوره به یک میزان در بافت شهری تهران تأثیرگذار بوده‌اند؟
روش پژوهش: این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است. داده‌های پژوهش به شیوه مطالعه میدانی و تحقیق کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

محدوده خیابان سی تیر با توجه به رونق مبحث گردشگری در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و بازتاب‌های گوناگونی از آن در نشریات و جراید می‌توان یافت. پژوهش در مورد اماکن مذهبی یهودیان تهران انگشت‌شمار است. مقاله «بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک معنویت فضای کنیسه با تمسک بر مفاهیم هنر قدسی» با رویکرد فلسفه معماری مذهبی یهودی به کنیسه حیم پرداخته است (دیواندره‌ای و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌های متعددی در مورد اماکن مذهبی زرتشتیان با رویکرد مرمت و معماری صورت گرفته است. «هاتف‌نیا» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نیت بازطراحی مکان مذهبی زرتشتیان، آدریان تهران را توصیف کرده است (هاتف‌نیا، ۱۳۸۷)؛ همچنین در مورد مباحث جامعه‌شناختی این اقلیت در بافت شهری، نسبت به دیگر اقلیت‌ها پژوهش بیشتری انجام شده است. «مطالعه جامعه‌شناختی رؤیت‌پذیری زرتشتیان به‌عنوان یک اقلیت مذهبی در فضای عمومی شهر تهران» اثر مهمی در این زمینه است (مؤمنی و شریعتی، ۱۳۹۶). پژوهش در مورد معماری ارمنی، بسیار بیشتر از معماری اقلیت‌های دیگر بوده است. گروهی از این پژوهش‌ها مطالعه سیر معماری و آماری است مانند «کلیساهای آرامنه ایران» (ملکمیان، ۱۳۸۰) و مقالات متعدد نشریه پیمان، گروهی به‌صورت تک‌نگاره هستند، مانند «معماری کلیسای مریم مقدس» (هوسپیان، ۱۳۹۲)، قابل ذکر است در مورد تأثیرات معماری مدرنیسم در بافت شهری نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازتاب فضایی تأثیرات نوگرایی (مدرنیسم) و سنت در شهر مورد منطقه ۱۲» صورت گرفته است (ریاضی، ۱۳۷۵). مقاله حاضر نخستین پژوهش با رویکرد باستان‌شناختی و مقایسه تطبیقی میان بناهای مذهبی این محدوده به‌شمار می‌رود.

برآیند تاریخی

توسعه شهر تهران در سال ۱۲۸۶ ه.ق. با تخریب «حصار طهماسبی» و جایگزینی «حصار ناصری» وارد مرحله جدیدی شد (معتمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). تهران در دوره ناصرالدین‌شاه با الگوبرداری از شهر پاریس، دارای حصار هشت‌گوش شد (جواهرکلام، ۱۳۷۵: ۱۰۶). این حصار با ۱۷ کیلومتر طول بر وسعت تهران افزود (جکسن، ۱۳۵۳: ۴۷۴). در این زمان، ارگ و بازار قسمت جنوبی شهر را در برمی‌گرفت و در مناطق جنوبی تر آن، بخش‌های صنعتی و تجاری از قبیل کوره‌های آجرپزی قرار داشتند؛ لذا گسترش شهر به سمت شمال که آب‌وهوای بهتری هم داشت، معقول‌تر بود (سعیدنیا، ۱۳۷۶: ۳۰). روند گسترش تهران سرعت زیادی داشت و محلات جدیدی در کنار محلات پنج‌گانه آن شکل گرفتند که «محله دولت» یکی از آن‌ها بود (اسکرس، ۱۳۷۵: ۸۶). این محله که نام آن برگرفته از نام «دروازه دولت» بود در شمال «محله ارگ» و پس از تغییرات به‌وجودآمده در آن شکل گرفت (اتحادیه، ۱۳۷۴: ۱۶۲). خیابان سی تیر که در گذشته به خیابان «مارشال استالین»، «قوام‌السلطنه» و «امین‌السلطان» شهرت داشته در قسمت شمالی خیابان امام خمینی (سپه) و در محله دولت قرار دارد. محله دولت و محدوده خیابان سی تیر، علاوه بر آن که مورد توجه رجال سیاسی، ثروتمندان و سفارتخانه‌های خارجی بود، اقلیت‌های مذهبی مختلف را نیز به سمت خود جذب کرد.

بررسی معماری

- کنیسه حییم

کنیسه حییم در محدوده خیابان سی تیر، تقاطع کوچه سیمی و شاطری قرار دارد و در سال ۱۳۸۴ ه.ش. با شماره ۱۳۵۶۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. زمین کنیسه، مستطیل شکل و ۱۰۰۰ متر وسعت دارد، دو عبادتگاه اصلی و کوچک و دو حیاط را در برمی گیرد (تصویر ۱).



تصویر ۱. الف: در ورودی کنیسه حییم. ب: نمای ورودی سالن اصلی کنیسه. ج: هخال پرتزئین کنیسه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

عبادتگاه اصلی، ساختمانی دو طبقه با نمایی از سنگ سفید و ازاره‌ای به رنگ قرمز است. در جبهه‌های شمالی و جنوبی، دو ایوان وجود دارد که با پنج پله به حیاط‌های پیرامونی خود ارتباط دارند. در ایوان شمالی، چهار ستون با سرستون‌هایی مربع‌شکل و تزئینات جزئی، بار سقف را به زمین انتقال می‌دهند. کنیسه بر روی صفا‌ای به ارتفاع حدوداً یک متر بالاتر از سطح زمین قرار گرفته و حیاط دارای آب انبار بوده است (دیواندره‌ای و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). «هخال کنیسه» (محل نگه‌داری الواح مقدس)، یکی از پرتزئین‌ترین جایگاه‌های الواح در بین کنیسه‌های ایران محسوب می‌شود. این جایگاه، تورفتگی درون دیوار است که قابی از سنگ مرمر سبز، پیرامون آن را فراگرفته است. در بالای این قاب، تزئینات گوناگونی از قبیل گچبری، نقاشی روی گچ، آینه‌کاری، نقوش تزئینی مجسمه‌وار شامل گلدان و گل اجرا شده است. در قسمت مرکزی و میانی این تزئینات، یک لوح با متن ۱۰ فرمان و بر بالای آن یک تاج تورات با گچبری و آینه‌کاری نصب شده است. عبادتگاه کوچک در گوشه شمال غربی حیاط قرار دارد. در سردر ورودی کنیسه، سال ۵۶۷۴ عبری (۱۲۹۲ ه.ش.) به عنوان تاریخ ساخت بنا ذکر شده است.

درک معماری مذهبی یهودیان، به ویژه در تهران دشوار است؛ زیرا تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در مورد آن صورت نگرفته است. قابل ذکر است، مذهب به تنهایی نقشی در ایجاد سبک معماری ندارد، اما در میان مذاهب مختلف، آیین یهود تنها دینی است که سبک ویژه‌ای در معماری مذهبی خود ایجاد نکرده است. در واقع مذهب نیازی به معماری شاخص ندارد، اما حکومت‌هایی که بر پایه مذاهب شکل گرفته‌اند، عموماً معماری شاخص مذهبی ایجاد کرده‌اند. نخستین مساجد، در آغاز اسلام طرحی ساده داشتند، اما همراه با شکل‌گیری حکومت اسلامی، بیان ویژه معماری اسلامی هم شکل گرفت (پاپادوپولو، ۱۳۶۸: ۱۰-۹). این در حالی است که مذهب یهود، هیچ‌گاه توانایی تشکیل حکومتی تأثیرگذار را نداشته است. قوم یهود بعد از اسارت در بابل و رهایی در زمان کوروش هخامنشی از پراکنش گسترده‌ای برخوردار شد. بازگشت تعداد محدودی از آنان به اورشلیم و باقی ماندن بسیاری از آنان جهت کسب موقعیت تجاری در بابل (بریان، ۱۳۷۷: ۱۳۵ و ۱۰۵۳) و مهاجرت‌های بعدی به داخل ایران همواره آنان را در اقلیت قرار داد. پراکندگی یهودیان در کشورهای مختلف و در اقلیت قرار گرفتن آن‌ها، ضرورت لازم برای ایجاد سبک معماری ویژه را فراهم نکرد؛ لذا معماری مذهبی یهودی، همواره متأثر از معماری پیرامون خود بوده است (Cohen, 1978).

210-211). گفتنی است، نویسنده کلیمی مقاله «بناهای تاریخی یهودیان ایران» وجه شاخصی برای بنای کنیسه قائل نیست (گبای، ۱۹۹۶: ۴۳). این موضوع منحصر به کنیسه‌های تهران نبوده و در اصفهان نیز «هیچ‌یک از آن‌ها از لحاظ ساختمان یا آثار هنری و تزئینات، قابل توجه نیستند و بناهایی ساده و معمولی به‌شمار می‌روند» (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۷۸).

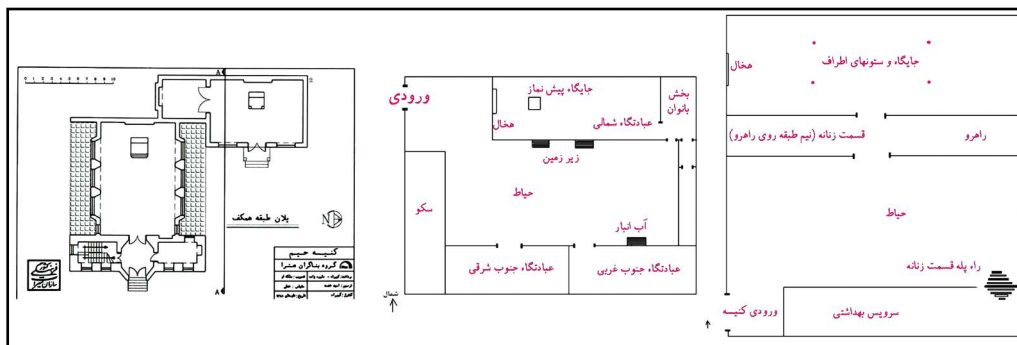
برپایه منابع تاریخی (لوی، ۱۳۳۹: ۱۰۳۲) و تحقیقات میدانی حدوداً ۱۰ کنیسه در تهران پیش از احداث کنیسه حییم وجود داشته است. از این تعداد تا سال ۱۳۸۴ ه.ش.، تنها سه کنیسه «حاداش»، «حکیم‌آشر» و «عزرایعقوب» باقی مانده بود که در این سال نیز کنیسه «حاداش»، مطابق با برنامه تعریض کوچه‌های «محلّه عودلاجان» تخریب شد (تصویر ۲).



تصویر ۲. الف: نمای درونی کنیسه تخریب شده حاداش. ب: ورودی کنیسه حکیم‌آشر و نمای بیرونی کنیسه تخریب شده حاداش (عکاس: صدیق‌پور، ۱۳۸۴). ج: ورودی کنیسه عزرا یعقوب (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ورودی کنیسه حکیم‌آشر در محلّه عودلاجان، به‌صورت غیرمستقیم و در یک دالان بن‌بست تعبیه شده، درحالی‌که شرایط لازم برای ایجاد ورودی از سمت کوچه اصلی وجود داشته است. این کنیسه، بنایی درون‌گرا است و در نمای بیرونی آن، نه‌تنها وجه شاخصی از یک بنای مذهبی وجود ندارد؛ بلکه هیچ‌گونه تمایزی میان آن و ابنیه مجاور (حتی از نظر ابعاد) نمی‌توان یافت. ورودی کنیسه عزرایعقوب نیز در انتهای کوچه بن‌بست قرار دارد. این کنیسه دربرگیرنده سه عبادتگاه مجزای دو طبقه است، اما از بیرون بنا هیچ نشانی از این عبادتگاه‌ها نمی‌توان دید. درحالی‌که رؤیت‌پذیری بناهای مذهبی در بافت شهری معمولاً با رفعت و اوج‌گیری بنای مذهبی نسبت به بناهای دیگر و کاربرد عناصری مانند: مناره، گنبد، ناقوس، صلیب و مواردی این‌چنین صورت می‌گیرد، عدم تمایل به دیده شدن و حتی تمایل به پنهان کردن کنیسه‌های پیش از مشروطه مشهود است. از بررسی موقعیت مکان و ساختار معماری این سه بنا تا پیش از ساخت کنیسه حییم، می‌توان استنباط کرد که: ۱- اماکن مذهبی یهودی تهران شاخصه معماری متمایزی ندارند. ۲- تنها در محلّه یهودی نشین ساخته شده‌اند. ۳- بناهایی کوچک هستند. ۴- هیچ‌گونه تمایز ظاهری با خانه‌های مسکونی پیرامون خود ندارند. ۵- با قرارگرفتن در کوچه‌های بن‌بست، کمترین سطح رؤیت‌پذیری را در بافت شهری دارند (تصویر ۳). این موضوع در مورد کنیسه‌های اصفهان نیز صدق می‌کند و ورودی تمامی کنیسه‌های محلّه جوباره، پنهان از دید عمومی و فاقد ارتباط بصری با فضای بیرون هستند (کریمیان و نیکزاد، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

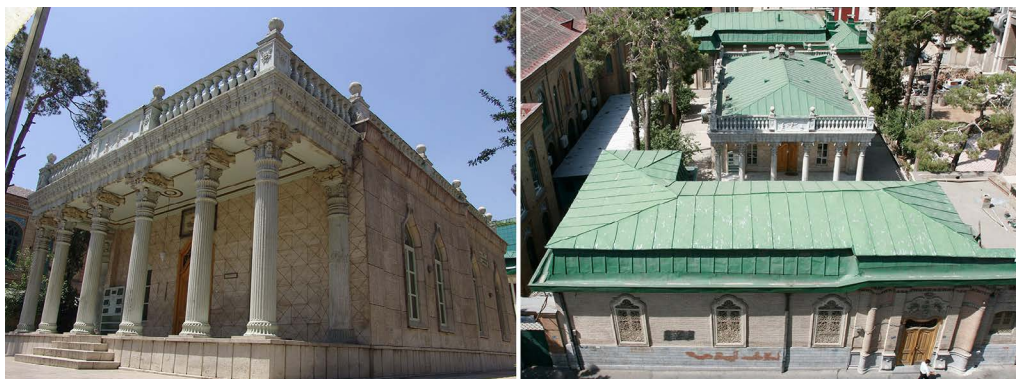
براساس مطالب ذکرشده، کنسیه حییم، نخستین بنای مذهبی یهودیان در خارج از محلّه یهودی نشین تهران است که باوجود کتیبه عنوان روی در ورودی و نمایی آشکار در بافت شهری، برخلاف کنیسه‌های پیشین، نه‌تنها تمایلی به پنهان شدن ندارد، بلکه با قراردادن بنا بر روی صّفه به جهت ارتفاع دادن و رؤیت‌پذیری بیشتر و ابعاد بزرگ‌تر، متمایزترین کنیسه نسبت به کنیسه‌های پیشین بوده است.



تصویر ۳. الف: نقشه کنیسه حکیم‌آشر، ب: نقشه کنیسه عزرایعقوب (نگارندگان، ۱۳۹۹)، ج: نقشه کنیسه حیتم (پرونده ثبتی میراث‌فرهنگی).

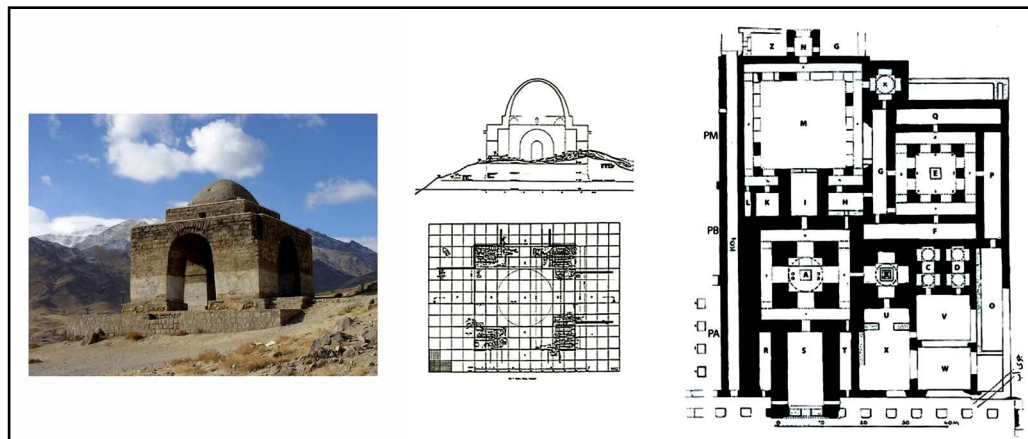
- آدریان زرتشتیان

آدریان زرتشتیان که در سال ۱۳۸۱ ه.ش. به شماره ۷۴۴۲ در فهرست آثار ملی ثبت شده است، در خیابان میرزا کوچک خان قرار دارد. این بنای مذهبی شامل: آتشکده، حیاط وسیع، دو تالار مراسم، اقامتگاه مؤبدان و نگهبانان، پذیرشگاه ضعفا و ساختمان‌های دیگر است. انجمن زرتشتیان تهران در سال ۱۲۹۳ ه.ش. تصمیم به ساخت آتشکده‌ای به نام «آدریان» گرفت (پارکی، ۱۳۵۳: ۳۱). ساخت آدریان، سه سال پس از آغاز بنا در سال ۱۲۸۶ یزدگردی (۱۲۹۶ ه.ش.) به پایان رسید (تصویر ۴).



تصویر ۴. الف: نمای عمومی مجموعه آدریان، ب: نمای بیرونی آتشکده (نگارندگان، ۱۳۸۳).

ساختمان عبادتگاه به طول ۲۰، عرض ۱۳ و ارتفاع ۶ متر با سنگ سفید و کنگره‌ای در بالای دیوار و شش ستون با طرح قاشقی در زمینی به مساحت ۱۲۷۰ مترمربع ایجاد شده است. ایوان شرقی با سرستون‌هایی سنگی که بر روی هر کدام چهار سرگاو قرار دارند، وزن سقف را تحمل می‌کنند. در میان گاوها، شاخه‌هایی از انگور و برگ آن ترسیم شده است. ستون‌ها و سرستون‌ها الفاکنده ایوان‌های تخت جمشید هستند. بنای آتشکده بر روی صفا‌ای در میان حیاط ساخته شده است و باتوجه به این‌که دیگر بناهای مجموعه روبه این حیاط دارند، بنای آتشکده همچون هسته مرکزی برای این مجموعه عمل می‌کند. داخل آتشکده سه بخش مجزا دارد. «اول سالن عبادتگاه که از سه جهت محل نگه‌داری آتش را از شرق و شمال و جنوب احاطه کرده است. خانه آتش در بخش میانه غربی قرار گرفته، به طوری که از طرف غرب، این مسیر مسدود می‌ماند. بخش دوم آتشکده، محل نگه‌داری آتش است. بخش سوم، محل به جای آوردن مراسم مذهبی است» (هاتف‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۳).

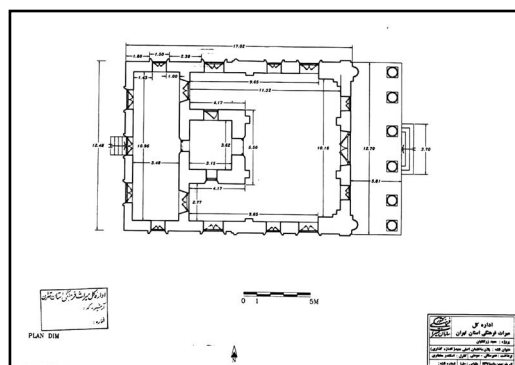


تصویر ۵. الف: نقشه مجموعه آذرگشنسب و محل نگه‌داری آتش (ناومان، ۱۳۷۴: ۵۱)، ب: نقشه و بازسازی نمای چهارطاقی فیروزآباد (تخت‌نشین)، (هوف: ۱۳۶۶: ۸۰)، ج: تصویر چهارطاقی نیاسر (نگارندگان، ۱۳۹۰).

تحلیل معماری مذهبی زرتشتیان معاصر بدون در نظر گرفتن تاریخچه معماری مذهبی آنان امکان‌پذیر نیست. دین زرتشت برخلاف آیین یهود، تشکیلات حکومتی پیچیده‌ای پیش از اسلام (دوره ساسانی) داشته است و می‌بایست الگو و سبکی خاص در معماری بناهای مذهبی ایجاد کرده باشد. با وجود مشکلاتی در سبک‌شناسی و تاریخ‌گذاری آثار معماری این دوره به نظر می‌رسد، بناهای مذهبی زرتشتیان در دوره ساسانی چهارطاقی‌های مستقلی بوده که در زمان اجرای مراسم، آتش مقدس را به آن قسمت منتقل می‌کردند و در زمان‌های دیگر، آتش در محل دیگری نگه‌داری می‌شده است (Huff, 1987: 330-331). در مجموع، بناهای مذهبی دوره ساسانی در سه گروه قابل بررسی است: «۱- مجموعه مذهبی با یک چهارطاقی و راهرو مسقف پیرامون آن با انضمام بناهایی دیگر، مانند تخت سلیمان. ۲- چهارطاقی‌ها مستقل همراه با راهروی مسقف پیرامونی، مانند چهارطاقی فیروزآباد (تخت‌نشین)؛ ۳- چهارطاقی مستقل با چهار دهانه وسیع و باز، مانند نیاسر» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵).

قابل ذکر است، بررسی معماری آتشکده‌های دوره اسلامی به علت منابع اندک، دشوار است. بر اساس مستندات تاریخی، آتشکده‌های بزرگ با ورود مسلمانان تخریب شدند و مؤبدان آتش بهرام را پنهان کردند تا سرانجام در شهرهای سنجان، نوساری، بمبئی و سورت هندوستان و یزد و کرمان تخت‌نشین شد (شهمردان، ۱۳۳۶: ۲۲۴-۲۱۲). برخی از آتشکده‌های باقی‌مانده یا به علت عدم اجازه تعمیر، روبه ویرانی رفتند (Brown, 1894: 408) و یا با تغییر کاربری در اختیار مسلمانان قرار گرفتند. به نحوی که «آندره گدار» با چنین تعبیری از «چهارطاقی مصلاهی» یزد یاد می‌کند: «عجیب این است که برای معرفی نمونه یک آتشکده واقعی، جز یک مصلاهی اسلامی، بنای موجود دیگر در دست نداریم» (گدار، ۱۳۷۱: ۸۴).

بر این اساس، وجه مشترک آتشکده‌ها، پیش از ساخت آدریان تهران (تصویر ۵)، بنایی چهارطاقی با پوشش گنبدی است؛ در حالی که نقشه آدریان تهران، مستطیلی با پوشش مسطح و شیروانی است (هرچند سعی شده محل قرارگیری آتش مقدس درون بنا، به شکل چهارطاقی اجرا شود)، (تصویر ۶). این موضوع بیانگر آن است که اگرچه بنای آدریان تهران بنایی فاخر و شاخص است و علائم باستان‌گرایی و کاربرد نمادهای هخامنشی در آن مشاهده می‌شود، اما معماری بنا، اصالت ماهوی ندارد؛ یعنی بر اساس شواهد تاریخی، شیوه معماری آن با شیوه آتشکده‌های پیش از اسلام منطبق نیست.



تصویر ۶. نقشه آدریان (پرونده ثبتی میراث فرهنگی).

تفسیر معماری مذهبی دیرین زرتشتیان و مقایسه آن با آدریان تهران، حاکی از آن است که ارتباط ذاتی معماری مذهبی زرتشتی با آنچه در دوران پیش از اسلام وجود داشته، قطع شده و تقلید از نمادهای باستان‌گرایانه تنها پوششی برای حفظ ظاهر است؛ این موضوع براساس مستندات تاریخی قابل درک است. شکست سنگین از مسلمانان، تشکیل حکومت مقتدر اسلامی، ناملایمات تاریخی زندگی زرتشتیان، جمعیت اندک و عوامل دیگر، سیری قهقرایی برای معماری مذهبی زرتشتی به وجود آورد؛ از سویی دیگر، ساخت آدریان تهران، نتیجه تغییراتی است که با حمایت پارسیان هند از هم‌کیشان ایرانی خود (امینی، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۵) از دوره ناصرالدین شاه آغاز شد و با لغو پرداخت جزیه در سال ۱۲۹۹ ه.ق. (آدمیت، ۱۳۶۱: ۴۳۵)، انقلاب مشروطه و آزادی‌های اجتماعی پس از آن ادامه یافت و در دوره حکومت رضاشاه به اوج خود رسید. زرتشتیان باتوجه به فرصت پیش آمده، تلاش کردند با الگوبرداری از سبک معماری پارسی (هخامنشیان) به نوعی شکوه معماری پیشین خود و عظمت آئین زرتشتی را به نمایش درآورند؛ هرچند همانند سبک معماری این دوره که «مبتنی بر یادآوری شکوه و جلال گذشته‌های دور و مبتنی بر تحسین و تمجید افراطی» است (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۶۸)، این موضوع تنها در تقلید ضعیف از صفا سازی، ستون‌ها و سرستون‌های کاخ‌های هخامنشی خلاصه شده است.

گفتنی است، تعدادی آتشکده در یزد موسوم به «در مهر» (مربوطه به آتش آدران) وجود دارد که عمدتاً بناهای کوچکی هستند و آن‌ها نیز پس از حمایت پارسیان هند از اواخر دوره ناصری ساخته شده و یا تجدید بنا شده‌اند (افشار، ۱۳۵۴: ۸۴۰-۸۲۸). در میان آن‌ها، تنها آتشکده «شریف‌آباد» و «کوچه بیوک» معماری متمایزتری دارند. آتشکده کوچه بیوک که برخلاف دیگر آتشکده‌ها در محوطه‌ای گود ساخته شده، کالبد چهارطاقی خود را حفظ و متناسب با معماری یزد از بادگیر و نورگیر استفاده کرده است؛ و آتشکده شریف‌آباد، شبستان گنبدی و چهار ایوان دارد. نکته مشترک در این دو بنا درون‌گرایی و پرهیز از رؤیت‌پذیری است. «قرار گرفتن آتشکده (کوچه بیوک) در گودی، حالت درون‌گرایی را تداعی می‌کند» (مهرشاهی، ۱۳۸۸: ۱۹۴-۱۹۳). «این بنا (شریف‌آباد) به‌گونه‌ای ساخته شده که داخل آن از بیرون به هیچ‌وجه قابل رؤیت نیست» (گذار، ۱۳۷۱: ۸۷). عدم رؤیت‌پذیری آتشکده‌ها از دید جهانگردان دوره قاجاریه نیز پنهان‌نمانده است. «اورسل» آتشکده یزد را بنایی مخفی می‌داند (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۲۵-۲۲۳) و «جکسن» آتشکده یزد را بنایی ساده توصیف می‌کند که از ظاهر و ورودی آن امکان تشخیص یک پرستگاه محیا نبوده است (جکسن، ۱۳۵۳: ۴۱۶). آندره گذار نیز ذکر کرده: «آتشکده یزد را به زحمت و پس از گذشتن از پیچ و خم‌های زیاد در میان ساختمان‌های یک مدرسه می‌توان مشاهده کرد که با بی میلی انسان را به آنجا هدایت می‌کنند» (گذار، ۱۳۷۱: ۱۹). در نتیجه می‌توان چنین برداشت کرد که زرتشتیان در دوره اسلامی تمایلی به آشکارکردن بناهای مذهبی خود درون بافت شهری نداشته‌اند.

- کلیسای پطرس

کلیسای پطرس در خیابان سی تیر قرار دارد و در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۷ به شماره ۲۶۸۴ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. مسیونرهای مذهبی آمریکایی که از سال ۱۸۴۵ م. فعالیت خود را در منطقه ارومیه آغاز کرده بودند، پس از مدتی تهران را به عنوان دومین مرکز گسترش فعالیت‌های خود انتخاب کردند و این کلیسا را ساختند (هویان، ۱۳۸۳ الف: ۶۲). «نخستین بنایی که در آنجا بالا رفت، مدرسه آمریکایی بود؛ به این معنی که به وساطت امریکا، شاه مقداری از اراضی آن نواحی را به «مبلغان آمریکایی» بخشید. مبلغان آمریکایی ابتدا در آنجا کلیسا و یا نمازخانه‌ای ساختند. پیش از آن، پروتستان‌ها در تهران نمازخانه‌ای مخصوص نداشتند» (حسینی بلاغی، ۱۳۵۰: ۱۹۲). در کتاب المآثر و الآثار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۸۸) و ایران و قضیه ایران (کرزن، ۱۳۴۹: ۴۱۳)، اشاراتی مختصر به این کلیسا شده، اما توضیح مفصل‌تری توسط «ویشارد» ارائه شده است: «در حدود سه جریب وسعت دارد و آن قدر درخت و بوته‌های گل در آن کاشته‌اند که به صورت باغ باصفایی درآمده است. وصل به نمازخانه مدرسه‌ای برای پسران، یکی هم برای دختران و اتاق‌هایی برای اقامت احداث شده است» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۹-۹۸).



تصویر ۷. نمای ورودی و برج ناقوس کلیسا (نگارندگان، ۱۳۸۳).

بنای کلیسا در جهت شمالی-جنوبی گسترده شده است (تصویر ۷). دو قسمت الحاقی در جهت غربی به عنوان ورودی اصلی بنا و برج ناقوس و یک قسمت دوزنقه‌ای شکل (محل قرارگیری محراب) در جنوب بنا، فرم کلیسا را از حالت مکعب مستطیل ساده تغییر داده‌اند. در ضلع جنوبی بنا، زیر سقف شیروانی یک روزن دایره‌ای شکل مشبک تعبیه شده است. در دو طرف این روزن، پنجره‌های مشبک دیگر با قوس‌های نیم‌دایره‌ای قرار دارد. برج ناقوس کلیسا که در ضلع غربی قرار دارد، بنایی دو طبقه است. ورودی اصلی در همان ضلع و شبیه برج ناقوس ساخته شده و مابین آن‌ها، چهار نورگیر مستطیل که به قوسی گهواره‌ای ختم می‌شوند، تعبیه شده است. نمای شمالی، ساده‌ترین نمای این بنا محسوب می‌شود. ورودی فرعی سالن کلیسا در بخش شرقی قرار دارد و به اندازه دو پله از محوطه اطراف کلیسا بالاتر است. شش پنجره هم‌اندازه در میان دو پنجره بلندتر نمای این ضلع را تشکیل می‌دهند. سالن کلیسا با طول ۲۰ و عرض ۸ متر ساخته شده و یک‌ونیم

طبقه به‌عنوان بالکن در قسمت شمالی آن دارد. محراب برروی سکویی به ارتفاع ۸۰ سانتی‌متر قرار دارد. تاریخ ساخت بنا برروی کتیبه در ورودی سال ۱۸۷۶ م. (۱۲۵۵ ه.ش.) ذکر شده است. در محوطه این کلیسا، بناهای دیگری از جمله: مدرسه، واحدهای مسکونی و اداری، استخر و مدرسه و منزل کره‌ای‌ها قرار دارد.

قابل ذکر است، بعد از ساخت کلیسای پطرس تهران، کلیسای استپانوس مقدس همدان (۱۲۶۵ ه.ش.)، کلیسای ادنوتیست‌های تهران (۱۳۲۰ ه.ش.)، کلیسای حضرت توما (۱۳۳۸ ه.ش.)، متعلق به فرقه پروتستان ساخته شده‌اند. وجه شاخص و مشترک این سه بنا با کلیسای پطرس، جهت شمالی-جنوبی بنا و قرارگرفتن محراب در ضلع جنوبی بنا است (هویان، ۱۳۸۳: ب: ۱۰۹، ۱۱۳ و ۱۱۸) که این مشخصه، کلیسای پروتستان را از کلیساهای آرامنه ایران متمایز می‌سازد.

- کلیسای مریم مقدس

کلیسای مریم مقدس که بین سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۱۷ ه.ش.، توسط «نیکلای مارکف»^۲ معمار روسی، طراحی و اجرا شده در خیابان میرزا کوچک خان قرار دارد (مانوکیان، ۱۳۵۳: ۴۸۶). این کلیسا اولین کلیسای جامع آرامنه تهران بوده است. طرح کلی کلیسا شبیه یک صلیب رومی با گنبدی در محل تقاطع دو بازوی عمود برهم آن، به سبک معماری ارمنی اجرا شده است. «نقشه کلیسا با گنجایش ۱۲۰۰ نفر، متأثر از معماری کلیساهای سده‌های هفتم تا دهم میلادی منطقه تاپیک ارمنستان، طراحی شد» (هوسپیان، ۱۳۹۲: ۸). جهت ساختمان کلیسا شرقی-غربی است و ساختمان برروی صفا‌ای به ارتفاع تقریباً ۶۰ سانتی‌متر، بالاتر از کف صحن اجرا شده است (تصویر ۸).



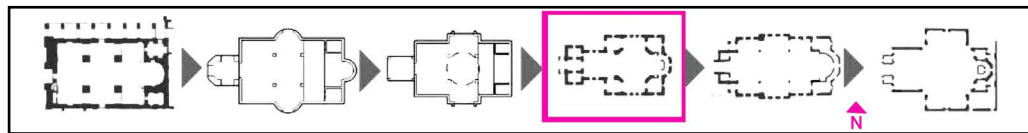
تصویر ۸. نمای عمومی کلیسای مریم مقدس (نگارندگان، ۱۳۸۳).

ساختمان کلیسا دارای سه ورودی است. دو ورودی به صورت قرینه در دو بازوی شمالی و جنوبی قرار گرفته‌اند. «ورودی اصلی که در سمت غرب بنا قرار دارد، دارای سردری به سبک معماری کلیساهای سده‌های چهارم و پنجم میلادی در ارمنستان است» (هوسپیان، ۱۳۹۲: ۱۳). نمای بیرونی ساختمان کلیسا، مانند کلیساهای ارمنستان با سنگ تزئین شده است. قوس‌هایی که در نمای این ساختمان دیده می‌شوند، از نوع رومی هستند. در نمای ساختمان تزئیناتی به صورت حجاری ایجاد شده‌اند. سقف کلیسا به صورت شیروانی است. برج ناقوس کلیسا به صورت اتافک کوچکی با شش ستون بر بالای قسمت فوقانی غرب سالن کلیسا قرار گرفته است.

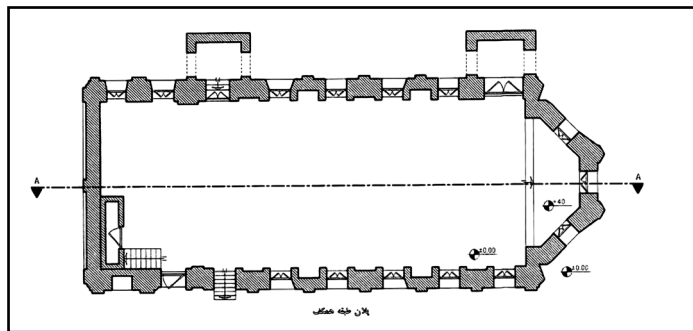
گنبد کلیسا به صورت ۱۲ ضلعی است که در میان هر ضلع، نورگیر باریک و بلندی تعبیه شده است؛ هر چند طرح کلیسای مریم مقدس در ترکیب عمومی از طرح‌های کلیساهای ارمنه تبعیت می‌کند (ویکتور و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳۸). اما گنبد اصلی کلیسا بیش از آن‌که متأثر از معماری ارمنی باشد، تحت تأثیر معماری بیزانسی متداول در گرجستان و روسیه (محل تولد مارکوف) است. همچنین مارکوف در شیوه کاربرد حجاری‌های نمای بیرونی بنا اشتباهی در طراحی داشته است؛ زیرا در تزئینات سنگ تراشی شده کلیساهای ارمنی، قرینه‌سازی و تکرار صورت نمی‌گیرد (هوسپیان، ۱۳۹۲: ۱۹). علت این امر، عدم آشنایی کافی مارکوف با سبک معماری ارمنی است. کلیسای مریم مقدس در سال ۱۳۸۱ ه.ش. به منزله اثری ملی، ثبت شده است.

محدوده مورد نظر پژوهش، اگرچه دربرگیرنده دو کلیسای مسیحی است؛ اما این دو متعلق به یک فرقه و قوم نیستند. قابل ذکر است که کلیساهای ارمنه موجود در ایران از لحاظ سبک و حوزه جغرافیایی به سه گروه «آذربایجانی»، «اصفهانی» و «تهرانی» تقسیم‌بندی شده‌اند. «این نوع معماری مذهبی در آذربایجان به صورت بومی، در اصفهان به صورت التقاطی با معماری صفوی و در تهران به صورت معماری معاصر با ریشه عمیق در فرهنگ مولد خود نمود یافته است» (سیمونی، ۱۳۹۴ الف: ۱). کلیساهای تهران نیز به سه گروه کلی تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گروه اول، کلیساهای نخستین که پیرو سبک اصفهان هستند^۳. گروه دوم، کلیساهای ساخت مارکوف که از الگوی اصلی معماری ارمنی پیروی می‌کنند؛ و گروه سوم، کلیساهای متأخر را شامل می‌شوند (سیمونی، ۱۳۹۴ ب: ۵-۶).

بررسی تاریخ معماری ارمنی گویای آن است که به استثناء کلیساهای اصفهان که در نمای بیرونی متأثر از معماری صفویه هستند، بناهای سبک آذربایجان و آثار مارکوف از کلیساهای منطقه ارمنستان تأثیر گرفته‌اند. نقشه این ابنیه عمدتاً به صورت مکعب مستطیل و چند حجم بیرون زده با مرکزیت گنبد هرمی شکل در بنا ساخته شده‌اند (همان: ۶). در حالی که نقشه کلیسای پطرس، مستطیلی با یک حجم دوزنقی بیرون زده است. در نگاهی گذرا به تصویر ۹ که نشانگر سیر تاریخی نقشه در معماری ارمنی و مقایسه آن با تصویر ۱۰ که نقشه کلیسای پطرس است، به وضوح عدم تطابق سبک و شیوه ساخت آن‌ها دیده می‌شود.



تصویر ۹. سیر تغییر نقشه در کلیساهای ارمنه (از چپ به راست): ۱- کلیسای اصفهان، ۲- کلیسای قزوین، ۳- کلیسای آبادان، ۴- کلیسای حضرت مریم تهران، ۵- کلیسای سرکیس مقدس تهران، ۶- کلیسای گریگور روشنگر تهران (سیمونی، ۱۳۹۴ الف: ۱۱).



تصویر ۱۰. نقشه کلیسای پطرس (پرونده ثبتی میراث فرهنگی).

علاوه بر اختلاف در نقشه و ساختار، تفاوت مهم دیگری در جهت قرارگیری محراب کلیسا وجود دارد. کلیساهای آرامنه، جهت شرقی-غربی دارند و محراب همیشه روبه شرق ساخته می‌شود، اما در این کلیسای پروتستان، جهت بنا شمالی-جنوبی است و محراب آن روبه جنوب ساخته شده است. وجوه تمایز در کلیسای پطرس، نخست، ناشی از سازندگان آمریکایی؛ و دیگری، فرقه مذهبی متمایز آن‌ها است که در ایران تا پیش از حضور «مسیونرهای مذهبی» سابقه‌ای نداشته است؛ از این رو، سبک معماری این کلیسا شباهتی به کلیساهای موجود در ایران ندارد.

روایت‌پذیری در بافت شهری

دیده شدن و روایت‌پذیری یک اثر، آئین و یا فرهنگ اجتماعی و همچنین چگونگی و میزان آن در سطح شهر از مباحث مهم تحلیل فضای شهری است. «روایت‌پذیری عامل مهمی در ادراک انسان از بافت شهری است» (شکیبامنش و حکیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۲)؛ از سویی دیگر ویژگی‌های معماری یک دوره، اعم از: نوع، شکل و عوامل متعددی که در ایجاد یک بنا دخالت دارند، همگی معرف اندیشه و گرایش سازندگان آن دوره است (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۲). به طور کلی «ماهیت جامعه، به ویژه آن چه در رفتار آن بروز می‌کند، اغلب در چگونگی طراحی و به کارگیری فضاهای معماری و شهری بازتاب می‌یابد» (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).



تصویر ۱۱. الف: ورودی کلیسای پطرس، ب: ورودی کنیسه حییم، ج: ورودی آدریان، د: کلیسای مریم مقدس (نگارندگان، ۱۳۹۹).

این درحالی‌ست که بررسی چگونگی تأثیر و تأثر اقلیت‌های دینی در بافت شهر به شناخت صحیح از وضعیت اجتماعی و فرهنگی آنان کمک می‌کند (کاظمی‌تاری، ۱۳۹۴: ۷۹)؛ لذا بررسی صحیح معماری مذهبی اقلیت‌های دینی و تحلیل درست از میزان روایت‌پذیری آن‌ها در بافت شهری، درک مناسبی از شرایط اجتماعی-سیاسی اقلیت‌ها در زمان ساخت آثار ارائه خواهد کرد. روایت‌پذیری معماری در بافت شهری از شرایط و قواعد خاصی پیروی می‌کند. در حالت کلی، نوع معماری درون‌گرا و برون‌گرا بر روایت‌پذیری آثار تأثیر مستقیم دارد. درون‌گرایی معماری ایران ریشه در عوامل جغرافیایی (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۳۲) و حس امنیت و محرمیت داشته است (رجبی، ۱۳۵۵: ۱۱۱)، اما همواره مواردی مانند: کوشک‌ها و مساجد و متعلقات آن، از این قاعده مستثنی بوده‌اند (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۴)؛ به عنوان مثال، عناصری مانند: گنبد، منار و ایوان در مساجد اسلامی بیان ویژه بصری برای موضوع روایت‌پذیری در بافت پیرامونی هستند. همچنین افراشته‌گی آن‌ها در سطح شهر و اوج‌گرفتن نسبت به دیگر بناها، ناشی از تمایل به دیده شدن و تمایز از سایر بناها در فضای شهری است. این تمایل به دیده شدن، حاکی از عوامل مساعد در شرایط اجتماعی، سیاسی

و مذهبی است. در نتیجه، بررسی میزان رؤیت‌پذیری بناهای مذهبی محدوده طرح در مقایسه با یکدیگر اطلاعات مناسبی از شرایط اجتماعی و سیاسی دوران ساخت آن‌ها را ارائه خواهد کرد. براین اساس، درون‌گرایی و برون‌گرایی، موقعیت قرارگیری، معماری شاخص، سردر و کتیبه عنوان، ارتفاع، مصالح و کاربرد نمادهای ویژه مذهبی از عوامل تأثیرگذار بر رؤیت‌پذیری یک اثر معماری است. جدول ۱، عوامل اصلی تأثیرگذار در موضوع رؤیت‌پذیری اماکن مذهبی محدوده پژوهش را بررسی و مقایسه کرده است.

جدول ۱. مقایسه رؤیت‌پذیری میان بناهای مذهبی محدوده پژوهش (نگارندگان، ۱۳۹۹).

عنوان	معماری شاخص مذهبی	مصالح	اوج‌گیری	کاربرد نماد	کتیبه و سردر	درون‌گرایی و برون‌گرایی	موقعیت بنا	میزان دیده شدن بنای عبادتگاه از خیابان
کنیسه	ندارد	سنگ	ارتفاع متناسب با ابعاد منازل مسکونی است	ندارد	کتیبه سه زبانه نام کنیسه بر روی در ورودی	درون‌گرا	خیابان فرعی متوسط	متوسط
آدریان	دارد	آجر	ارتفاع آدریان نسبت به بناهای دیگر کوتاه است	ندارد	سردر زیبای آجری بدون مشخصه خاص اقلیت	درون‌گرا	خیابان اصلی	دیده نمی‌شود
کلیسای پطرس	دارد	آجر	ارتفاع و اوج‌گیری بنا مناسب است	ندارد	سردر متناسب نیست	درون‌گرا	خیابان اصلی	ضعیف
کلیسای مریم	دارد	سنگ	ارتفاع و اوج‌گیری بنا مناسب است	دارد	سردر شاخص دارد	برون‌گرا	خیابان اصلی	کاملاً رؤیت‌پذیر

بحث و تحلیل

تحلیل داده‌های جدول ۱، به خوبی نشانگر سطح رؤیت‌پذیری بناها و میزان آن نسبت به بناهای دیگر است. تحلیل معماری و تطبیق آن با شاخص‌های رؤیت‌پذیری هر کدام از آثار، در برگیرنده اطلاعات ویژه‌ای است. عدم تمایل به دیده شدن در فضای شهری به ویژه در مورد معماری مذهبی از مقتضیات اجتماعی و سیاسی حاکم بر یهودیان در ادوار گذشته بوده است که آزادی‌های اجتماعی بعد از مشروطه کم‌کم از شدت آن کاست و تغییر در نگرش نسبت به معماری و تمایل به ساخت بناهای شاخص را به وجود آورد. کنیسه حییم که آشکارترین بنای مذهبی یهودیان تا زمان خود بوده با ابعاد نسبتاً بزرگ و معماری متمایز در مقایسه با کنیسه‌های پیشین، بنایی ساختارشکن و نمادی از دوران تحول اجتماعی یهودیان به شمار می‌رود. با این وجود، مطابق موارد مؤثر در موضوع رؤیت‌پذیری معماری، این بنا هم‌سطح با سایر بناهای مسکونی پیرامون خود و قرارگرفتن در خیابانی فرعی، بدون کتیبه سه زبانه موجود بر روی در ورودی آن (تصویر ۱۱)، هیچ وجه تمایزی با دیگر بناها ندارد. عدم وجود تجربیات قبلی در زمینه ایجاد معماری شاخص، درون‌گرایی و توجه بیشتر بر تزئینات درونی بنا از عواملی است که کنیسه حییم را جزو بناهای شاخص و تأثیرگذار در بافت شهری قرار نمی‌دهد.

شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان تهران، اندکی پیش از مشروطه با تحول مناسبی روبه‌رو شد. حمایت‌های «پارسیان هند» و نقش سیاسی این اقلیت در جنبش مشروطه (نائبیان و علیپور، ۱۳۹۰: ۱۵۲)، تأثیر بسزایی در ایجاد یک مرکز عبادی با شکوه ایفا کرد؛ با این حال، اگرچه آدریان تهران بنای باشکوهی است، اما الگوی درون‌گرای ساخت آن که با دیوارهای بلند و ساختمان‌های پیرامونی احاطه شده، بازتاب چندان در منظر عمومی شهر ندارد. «به دلیل سبک معماری خاص، در ورودی آدریان، توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند، اما هر رهگذری به سادگی نخواهد فهمید که این مکان، مکان نیایش زرتشتیان است؛ بنابراین، آدریان تهران به عنوان نشانه‌ای از موجودیت زرتشتیان برای رهگذران، رؤیت‌پذیری ندارد» (مؤمنی و شریعتی، ۱۳۹۶: ۷۳). این درحالی‌ست که حتی اگر در نظری اجمالی و مطابق با تصویر ۱۲، بنای آدریان با «مدرسه فیروزبهرام (مدرسه

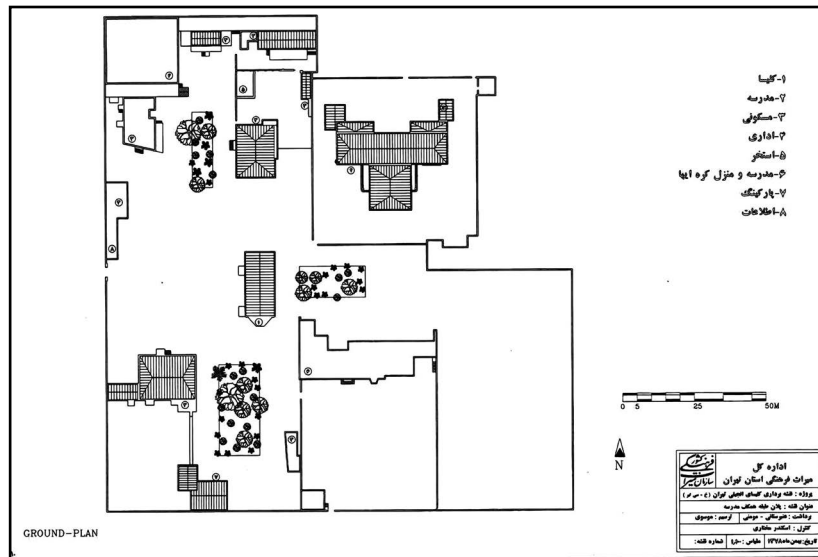
زرتشتیان)» که در جنب آن ساخته شده، مقایسه شود، مدرسه با اوج‌گیری مناسب، کاربرد نمادهای مذهبی در نمای اصلی (نشان فروهر) و سطح رؤیت‌پذیری بیشتر نسبت به آدریان، بنای تأثیرگذارتری در بافت شهری است.



تصویر ۱۲. مدرسه فیروز بهرام در مجاورت آدریان (نگارندگان، ۱۳۸۳).

مسیونرهای مذهبی آمریکایی با توجه به نوع فعالیت‌شان با استقبال مناسبی از طرف حکومت و خلیفه‌گری آرامنه مواجه نبودند (الدر، ۱۳۳۳: ۳۲). با توجه به عدم مقبولیت پیروان آیین پروتستان که تحت تأثیر تبلیغات مسیونرها، تغییر آیین داده بودند (فارسی‌زبانان و آرامنه)، علت انزوای معماری این بنا در بافت شهری قابل درک است. کلیسای پطرس، با وجود معماری شاخص و اوج‌گیری مناسب، به سبب قرارگرفتن درون باغی مشجر و دیوارکشی ممتد کنار خیابان، رؤیت‌پذیری مناسبی ندارد. الگوی کوشک‌مانند و درون‌گرایی ساختمان که از دید عمومی به دور است، نشان از عدم تمایل به دیده‌شدن در فضای عمومی دارد (تصویر ۱۳)؛ این درحالی‌ست که اگر تمایلی به دیده‌شدن در منظر عمومی شهر وجود داشت، دیوار ممتد باغ، فضای مناسبی برای کاربرد نمادهای مذهبی می‌بود، اما از این فضا استفاده نشده است (نقاشی‌های موجود بر روی دیوار به‌تازگی و توسط شهرداری تهران ایجاد شده و ارتباطی با کلیسا ندارد)، (ر. ک. به: تصویر ۱۱). تنها نماد به‌کاررفته، حجاری کم‌عمقی از شکل صلیب درون یک دایره، در ستون‌های سنگی در ضلع شمالی باغ است که جلوه بصری چندانی ندارد.

نهایتاً کلیسای مریم مقدس با معماری شاخص، برون‌گرایی، اوج‌گیری بنا و کاربرد نمادهای مذهبی مسیحیان، متفاوت‌ترین بنای مذهبی خیابان سی‌تیر به‌لحاظ رؤیت‌پذیری و تأثیرگذاری در بافت شهری است. برخلاف دیگر اقلیت‌های محدوده، کلیسای مریم مقدس، آشکارا با برافراشتن ساختار معماری، گنبد، ناقوس و کاربرد نماد صلیب به‌دنبال تأثیرگذاری بر بافت شهری است و این حاکی از آزادی عمل، کاربرد تجربیات پیشین در زمینه معماری مذهبی و بهره‌برداری مناسب از شرایط اجتماعی زمان خود است.



تصویر ۱۳. نقشه مجموعه بناهای موجود در کلیسای حضرت پطرس (پرونده ثبتی اثر در میراث فرهنگی).

نتیجه‌گیری

بررسی باستان‌شناختی چهار بنای مذهبی پیرامون خیابان سی تیر به درستی گویای جایگاه اقلیت‌ها در ساختارهای اجتماعی شهر و سطح تأثیرگذاری آن‌ها در بافت شهری است. براساس نتایج حاصله از پژوهش و در پاسخ به پرسش‌های آن مشخص شد، مشروطه که برابری‌های اجتماعی بیشتری را برای اقلیت‌های مذهبی به ارمغان آورد، زمینه‌های تغییر در ساختار معماری مذهبی، تأثیرگذاری بیشتر در بافت شهری و پراکنش استقرار آن‌ها را به همراه داشته است. اقلیت‌های دینی با توجه به شرایط متمایز اجتماعی و سیاسی این دوره، سطحی از برون‌گرایی و تمایل به رؤیت‌پذیری بیشتر معماری مذهبی درون بافت شهری را تجربه کردند؛ هرچند سطح بهره‌برداری اقلیت‌ها از شرایط به‌وجودآمده و میزان تأثیرگذاری معماری آن‌ها را در بافت شهری را نمی‌توان به صورت یکسان ارزیابی کرد.

یهودیان برخلاف گذشته که تمعداً تلاش در مخفی‌کردن بنای مذهبی خود داشتند، آشکارا به دیده‌شدن در فضای شهری گرایش یافتند، اما کنیسه حییم، به علت نداشتن سبک معماری ویژه یهودی و عنصری شاخص در معماری، بنای تأثیرگذاری در بافت شهری نیست. باستان‌گرایی، تمایل به نمایاندن شکوه و عظمت گذشته‌های دور و استفاده از عناصر معماری هخامنشی هماهنگی ماهوی با تفکرات زرتشتیان داشت. باوجود این، نوع معماری درون‌گرا و احاطه‌شدن در میان بناهای دیگر و دیوار بلند مجموعه که دوری از انظار عمومی را موجب شده، آدریان تهران را در زمره بناهای تأثیرگذار در بافت شهری قرار نمی‌دهد؛ از این رو، شکوه و عظمت به‌کاررفته در بنا، تنها کاربردی درون‌گروهی داشته و در پی التیام دادن خلأهای اجتماعی گذشته این اقلیت بوده است. مسیونرهای مذهبی فرقه پروتستان باوجود معماری شاخص و ظرفیت‌های فراوان در مجموعه کلیسای پطرس، به دلیل محدودیت‌های حکومتی و مخالفت‌های خلیفه‌گری ارامنه، تمایل به آشکار شدن در بافت شهری نداشتند و تلاشی در جهت افزایش سطح رؤیت‌پذیری از خود بروز نداده‌اند. ارامنه در این میان شرایطی کاملاً متمایز دارند؛ وجود تجربه کافی در ساخت اماکن مذهبی، همکاری با معماران با نفوذ خارجی و عدم الزام به تبعیت از الگوی رایج معماری ایرانی (همانند دوره صفوی)، دست‌به‌دست هم داد تا بیشترین بهره را از شرایط موجود کسب کنند. کلیسای مریم مقدس با الگوی معماری ارمنی، کاربرد نمادهای مذهبی و برون‌گرایی، بنای

شاخص و کاملاً رؤیت‌پذیر و تأثیرگذار در بافت محدوده خیابان سی تیر است. گفتنی‌ست، اگرچه مشروطه و حکومت رضاخان آزادی‌هایی را برای اقلیت‌های دینی فراهم آوردند، اما نسبت استفاده از امکانات فراهم شده برای پیروان ادیان مختلف یکسان نبوده و هرکدام متناسب با ظرفیت‌ها و سوابق تاریخی خود از آن بهره‌برده‌اند. بر این اساس، آرامنه، تأثیرگذارترین اقلیت در بافت شهری تهران به شمار می‌روند.

پی‌نوشت

- ۱- آتشکده فعلی و مشهور یزد، ۲۲ سال پس از آدریان تهران ساخته شده است.
- ۲- «نیکلای مارکف» در سال ۱۸۸۲ م. در شهر تفلیس به دنیا آمد. پس از تحصیلات در هنر و معماری به تحصیل زبان فارسی پرداخت. در جنگ جهانی اول به نیروهای روسیه در قفقاز پیوست. او در نیروی قزاق، هم‌رزم «رضاخان» بود (ویکتور و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲). از نمونه آثار مشهور وی می‌توان به: دبیرستان البرز، مدرسه دارالفنون، دانشسرای عالی، زندان قصر، ساختمان پست و ورزشگاه شیروودی اشاره کرد.
- ۳- ریخت‌شناسی کلیساهای ارمنی اصفهان، با توجه به کاربرد مصالح ساختمانی (آجر) و طرح کالبدی بنا که معمولاً یادآور کاخ‌ها و دیگر بناهای شاخص شهر اصفهان است، به تأثیرپذیری از سبک معماری صفوی و معماران مشترک آن‌ها اشاره دارد (پورنادری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۹).

کتابنامه

- آدمیت، فریدون، (۱۳۶۱). امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ ششم.
- اتحادیه، منصوره، (۱۳۷۴). «رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری». تحقیقات اسلامی، سال ۱۰، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان، صص: ۱۷۴-۱۴۵.
- اسکرس، جنیفرز، (۱۳۷۵). «نقش معماری در پیدایش تهران». تهران پایتخت دویست ساله، ترجمه احمد سیدی و فاطمه وثوقی، تهران: روشنگران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۵۵). المآثر و الآثار. تهران: انتشارات سنایی.
- افشار، ایرج، (۱۳۵۴). یادگارهای یزد. جلد ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الدر، جان، (۱۳۳۳). تاریخ مسیون آمریکایی در ایران. ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان.
- امینی، تورج، (۱۳۸۰). اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۳۳۸-۱۲۵۸). تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- اورسل، ارنست، (۱۳۵۳). سفرنامه اورسل. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: شرکت افست.
- بریان، پی‌یر، (۱۳۷۷). تاریخ امپراتوری هخامنشی. ترجمه مهدی سمسار، تهران: انتشارات زریاب.
- پاپادوپولو، الکساندر، (۱۳۶۸). معماری اسلامی. ترجمه حشمت جزنی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- پارکی، رستم، (۱۳۵۳). «آدریان تهران». ماهنامه زرتشتیان، شماره ۱۹-۱۷، صص: ۵۵-۳۲.
- پورنادری، ارغوان؛ ایزدی، محمدسعید؛ قلعه‌نویی، محمود؛ و پورنادری، حسین، (۱۳۹۸). «شناخت تحولات ریخت‌شناسی کلیساهای ارمنی جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان». باغ نظر، شماره ۱۶، صص: ۲۸-۱۵.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۶۹). شیوه‌های معماری ایرانی. تهران: نشر هنر اسلامی.
- جواهرکلام، عبدالعزیز، (۱۳۷۵). تاریخ طهران. تهران: کتابخانه منوچهری.
- حبیبی، محسن، (۱۳۸۲). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی بلاغی، سیدعبدالحجت، (۱۳۵۰). تاریخ تهران. قم: بی‌نا.
- دیواندره‌ای، جواد؛ برکاتی، سیده‌آیدا؛ و علیپور، حسین، (۱۳۹۵). «بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر

- برادارک معنویت فضای کنیسه با تمسک بر مفاهیم هنر قدسی». تهران: کنفرانس بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی، صص: ۲۰-۱.
- رجبی، پرویز، (۱۳۵۳). معماری ایران در عصر پهلوی. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- ریاضی، سید ابوالحسن، (۱۳۷۵). «بازتاب فضایی تاثیرات متقابل نوگرایی (مدرنیسم) و سنت در شهر مورد منطقه ۱۲ تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی (منتشر نشده).
- سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۶). «تهران پایتخت». کتاب تهران، جلد ۵ و ۶، تهران: روشنگران.
- سیمونی، پیونیک، (۱۳۹۴ الف). «گونه‌شناسی معماری کلیساهای آرامنه در ایران». یزد: همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، صص: ۱۶-۱.
- سیمونی، پیونیک، (۱۳۹۴ ب). «معماری کلیساهای آرامنه در تهران». اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، صص: ۱۴-۱.
- شکیبامنش، امیر؛ و حکیمی، یاسمن، (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر رؤیت‌پذیری فضای کالبدی بر رفتار عابران پیاده در میداين شهری با کمک تحلیل‌های مبتنی بر آیزویست سه‌بعدی». فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲۵، زمستان، صص: ۱۱۵-۱۰۱.
- شهرمدان، رشید، (۱۳۳۶). پرستشگاه زرتشتیان. بمبئی: سازمان جوانان زرتشتی بمبئی.
- کاظمی‌تاری، تقی؛ رهنمایی، محمدتقی؛ و علی‌اکبری، اسماعیل، (۱۳۹۴). «پیامدهای امنیت اجتماعی توزیع جغرافیایی اقلیت‌های دینی در تهران». جغرافیا، سال ۱۳، شماره ۴۵، تابستان، صص: ۹۲-۷۷.
- کریمیان، حسن؛ و احمدی، عباسعلی، (۱۳۹۴). «باستان‌شناسی فضایی، رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری، فضاهاى شهری و بافت کهن». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۱۱۶-۱۰۳.
- کریمیان، حسن؛ و نیکزاد، میثم، (۱۳۹۱). «تأثیر موازین فقهی بر شکل‌یابی معماری و محلات مسکونی اقلیت‌های یهودی و مسیحی در اصفهان دوره صفوی». جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۲۲۴-۱۹۳.
- کیانی، مصطفی، (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کرزن، جرج، (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گبای، یاسی، (۱۹۹۶). «بناهای تاریخی یهودیان ایران و طرح نوسازی مقبره استر». مجموعه مقالات تروعا ۱، آمریکا: مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، صص: ۶۹-۴۱.
- گذار، آندره، (۱۳۷۱). آثار ایران. جلد ۱، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: آستان مقدس رضوی.
- لوی، حبیب، (۱۳۳۹). تاریخ یهود ایران. جلد ۳، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم.
- مانوکیان، آرداک، (۱۳۵۳). «جنبه‌های تاریخی و باستان‌شناسی نمازخانه آرامنه». مجله ارمغان، شماره ۹، صص: ۴۸۹-۴۸۱.
- محمدی، مریم؛ نیستانی، جواد؛ موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی؛ و هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۹۰). «مطالعه گونه‌شناسی عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، سال ۱، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص: ۱۰۴-۸۳.
- معتمدی، محسن، (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ملکمیان، لینا، (۱۳۸۰). کلیساهای ارمنیان ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های اسلامی.

- مؤمنی، سمیه؛ و شریعتی، سارا، (۱۳۹۶). «مطالعه جامعه‌شناختی رؤیت‌پذیری زرتشتیان به‌عنوان یک اقلیت مذهبی در فضای عمومی شهر تهران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز، صص: ۶۰-۸۵.
- مهرشاهی، داریوش، (۱۳۸۸). «ویژگی‌های فرهنگی-معماری آتشکده کوچه‌بیوک یزد». *فرهنگ یزد*، سال ۱۰، شماره ۳۶ و ۳۷، تابستان، صص: ۱۹۷-۱۹۰.
- ناومان، رودلف، (۱۳۷۴). *ویرانه‌های تخت‌سلیمان و زندان سلیمان*. ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نائیبیان، جلیل؛ و علیپورسیلاب، جواد، (۱۳۹۰). «نقش زرتشتیان در مشروطیت ایران». *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۹، بهار، صص: ۱۷۷-۱۵۱.
- جکسن، ویلیامز ابراهم، (۱۳۵۳). *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*. ترجمه منوچهر امیری و فریده بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- ویشارد، جان، (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.
- ویکتور، دانیل؛ شافعی، بیژن؛ و سروشانی، سهراب، (۱۳۸۲). *معماری نیکلای مارکف*. ترجمه ترانه یلدا، تهران: انتشارات دید.
- هاتف‌نیا، نوید، (۱۳۸۷). «مجتمع آئینی زرتشتیان تهران». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهیدبهشتی (منتشر نشده)*.
- هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. چاپ دوم، تهران: چاپخانه زیبا.
- هوسپیان، شاهن، (۱۳۹۲). «تاریخچه و معماری کلیسای مریم مقدس تهران». *پیمان*، شماره ۶۶، صص: ۲۲-۷.
- هوف، دیتریش، (۱۳۶۶). «فیروزآباد». *شهرهای ایران*. جلد ۲، کرامت‌الله افسر، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص: ۷۵-۱۱۷.
- هویان، آندرانیک، (۱۳۸۳ الف). «تاریخچه مسیحیت در ایران». *اخبار ادیان*، سال ۲، شماره ۷، صص: ۶۳-۵۸.
- هویان، آندرانیک، (۱۳۸۳ ب). *کلیساهای مسیحیان در ایران زمین*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

- Brown, E. G., (1894). "A Year amongst the Persians". *The Academy and literature*, No. 45, Pp: 160.

- Huff, D., (1987). "Architecture II. Sassanian period". *Encyclopedia Iranica*, Vol II. Routledge & Kegan Paul, London and New York, Pp: 324-329.

- Cohen, M. A., (1978). "Synagogue". In: M. Eliade (Ed.) Vol. 14, *Encyclopedia of Religion*, New York: Macmillan, Pp: 210-212.